

## جریان‌های رادیکال دینی - تکفیری در آسیای مرکزی و قفقاز و بازتاب آن در تحولات منطقه

رضا پریزاد<sup>۱</sup> و ابوالقاسم معارف‌وند<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۵ / ۰۵ / ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۷ / ۱۴۰۱

### چکیده

منطقه قفقاز و به‌ویژه آسیای میانه به‌سبب سیاست‌های نادرست دولت‌های حاکم و حمایت از گروه‌های افراطی در سال‌های آینده کانون ملتهبی در تحولات منطقه خواهند بود. اهمیت ژئوپولیتیک آسیای مرکزی و قفقاز و تلاش بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت حضور در این منطقه، بر ضرورت شناخت وضعیت افراط‌گرایی و تکفیرسم در آسیای میانه و قفقاز می‌افزاید و به سبب هم‌مرز بودن این منطقه با جمهوری اسلامی ایران، این شناخت برای ما از اهمیت دوچندانی برخوردار است. زمینه‌های مساعد داخلی و اهمیت ژئوپولیتیک این مناطق باعث شده تا روسیه آن‌را جزو حیات خلوت سنتی خود تلقی کند، عربستان سعودی بستر لازم را برای ترویج اندیشه‌های افراط‌گرایانه فراهم ببیند، جمهوری اسلامی ایران بدلیل پیوستگی و اشتراکات فرهنگی آن را به‌نوعی زیرمجموعه جغرافیای فرهنگی قلمداد نماید و کشورهای عضو ناتو، به‌ویژه کشورهای قدرتمند اروپایی و آمریکا نیز علاوه بر نگاه اقتصادی و تجاری برای بازیگری در حیات خلوت روسیه و همچنین جلوگیری از توسعه نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران همواره به این مناطق توجه نمایند. در این میان آنچه شایان توجه است و جای نگرانی دارد این است که برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی و برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا، برای تحقق اهداف خود، حمایت و تجهیز از گروه‌های افراط‌گرای مذهبی را در سرلوحه اولویت‌های سیاست خارجی خود در ارتباط با این مناطق تعریف کرده‌اند. برآیند ضعف‌ها، مشکلات و نابسامانی‌های داخلی در کنار دخالت‌ها و نقش‌آفرینی بیگانگان در آسیای مرکزی، توضیح دهنده واقعیت گسترش تفکرات افراط‌گرایانه در این مناطق است.

**کلید واژه‌ها:** جریان‌های رادیکال دینی، آسیای مرکزی و قفقاز، ایران، عربستان، ایالات متحده آمریکا.

### استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

پریزاد، رضا؛ معارف‌وند، ابوالقاسم (۱۴۰۱). «جریان‌های رادیکال دینی-تکفیری در آسیای مرکزی و قفقاز و بازتاب آن در تحولات منطقه». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۲۰، صص ۱۷۴-۱۵۷.

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. ایمیل: [r\\_parizad@yahoo.com](mailto:r_parizad@yahoo.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. ایمیل: [ghasem.maaref@gmail.com](mailto:ghasem.maaref@gmail.com)  
به استناد استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط ذکر شده، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

آسیای مرکزی ویژگی‌های منحصر به فرد ساختاری و درونی دارد که آن را مستعد شکل‌گیری و تداوم شرایط ناپایدار هویتی، اجتماعی و حتی تمدنی ساخته است. چالش‌ها و بحران‌های داخلی و ساختاری در این منطقه مانند چالش‌های هویتی و قومی، مرزبندی‌های تحمیلی و ادعاهای ارضی، رویکردهای متفاوت کشورهای منطقه در پیوند با رقابت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باعث حاکم شدن شرایط ناپایدار و شکننده در آسیای مرکزی شده، که یکی از اثرات این شکنندگی حضور و رشد گروه‌های افراطی و تکفیری در آسیای میانه و قفقاز است.

اسلام‌گرایان رادیکال در آسیای مرکزی و قفقاز توانسته‌اند در درون خود، چندین گروه و تشکیلات پرتطرفار را سازماندهی کنند و متأثر از شرایط منطقه‌ای و شرایط حاکم بر جهان اسلام، جبهه فراگیری را در مقابل دولت‌های سکولار آسیای مرکزی و همچنین سایر دولت‌های غرب گرای کشورهای اسلامی به وجود بیاورند. این بخش از لایه هویتی دینی- فرهنگی آسیای مرکزی و قفقاز، با این‌که در سطح منطقه و حتی جهان دشمنان سرسختی دارد، ولی در فضای جنبش‌های اسلامی جهان اسلام، دوستان و همکاران قدرتمندی نیز دارد و گاهی این لایه هویتی و سازمان‌ها و تشکیلات مربوط به آن، به همکاری‌های راهبردی با سازمان‌های تروریستی و تکفیری دست می‌زنند. امری که در عراق و سوریه مشهود بوده است.

لذا بررسی جریان‌های رادیکال دینی - تکفیری در آسیای مرکزی و قفقاز و نقش آن در ایجاد کانون التهاب در منطقه موضوع مهمی برای سیاست‌گذاران ما در عرصه سیاست خارجی و همچنین نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در عرصه داخلی باشد.

با خروج نیروهای ناتو از افغانستان و تشدید واژه‌ها از جریانات افراطی، کشورهای آسیای میانه برای برون رفت از این چالش به همکاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چشم دوختند. از سوی دیگر، بیش‌تر کشورهای آسیای مرکزی با پیروی از سیاست روسیه به مبارزه با تروریسم مذهبی روی آوردند. این امر به همراه مشکلات شدید اقتصادی و فساد حکومت‌های سکولار در کشورهای مذکور معکوس جواب داده و منجر به رغبت روزافزون جمعیت ناراضی این جوامع به گروه‌های تندرو شده است. حتی حکام این کشورها به بهانه مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی، آن را دستاویز سرکوب مخالفان سیاسی می‌کنند و گروه‌های معتدل اسلامی که تنها راه جلوگیری از گرایش جوانان به گروه‌های افراطی هستند را نیز به حاشیه می‌رانند.

موضوع مهم در این حوزه، بحث رؤسای جمهور ازبکستان، قزاقستان و تاجیکستان است که با گذشت بیش از دو دهه از استقلال این کشورها همچنان در مسند قدرت هستند و موضوع جانشینی این رؤسای جمهور نیز مطرح است. این امر علاوه بر این‌که زمینه‌ای برای بالفعل شدن ظرفیت‌های بی‌ثباتی و جنگ قدرت داخلی است، جولانگاه بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که

در کنار گسترش و تشدید افراط‌گرایی در منطقه، سال‌های آینده را به موعدی سرنوشت‌ساز برای آسیای مرکزی تبدیل کرده است.

از سال ۱۹۱۹ میلادی تا ۱۹۲۵ در مورد اسلام و مسلمانان، دیدگاه محدود و میانه‌ای وجود داشت، حکومت سوسیالیست تلاش می‌کرد مسلمانان را متقاعد سازد که در سایه قانون‌گذاری سوسیالیستی، حقوق مذهبی مسلمانان بهتر از روسیه تزاری مورد حمایت قرار خواهد گرفت (حبیب‌الله شیرازی، ۱۳۷۰: ۳۶۰). لنین برای اولین بار در ۲۴ نوامبر سال ۱۹۱۷ میلادی، سیاست دولت اتحاد جماهیر شوروی را در قبال مسلمانان این گونه اعلام کرد:

«تمام مسلمانان روسیه، تاتارهای کریمه و ولگا، قرقیزها و سارت‌های صربستان و ترکستان، ترک‌ها و تاتارهای ماورای قفقاز، چچن‌ها و ساکنان مناطق کوهستانی قفقاز و تمامی کسانی که مساجد و نمازخانه‌هایشان تخریب شده و تزارها و ستمگران روسیه به عقاید و آیین‌هایشان تعرض و آن‌ها را سرکوب کرده‌اند، از حالا به بعد، به لحاظ عقیده، عمل و داشتن نهادهای فرهنگی و قومی برای همیشه آزاد و مصون از خشونت خواهند بود. بدانید که حقوق شما مانند حقوق تمام مردم روسیه، تحت حمایت نیرومند انقلاب و نهادهای انقلاب خواهد بود» (pipes, 1955, 155).

بعد از مرگ استالین، خروشچف در سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۴ میلادی دومین رشته از عملیات غیر اسلامی کردن منطقه را به راه انداخت و این حرکت با محکومیت شدید، ملایمت استالین در مقابله با مذهب و انحرافات او از قوانین لنین آغاز شد. این دوران به گواه تاریخ یکی از شدیدترین حرکت‌های ضد اسلامی در تاریخ شوروی بود (بنیکسون، ۱۹۷۰: ۱۵۱).

در اوایل دهه ۱۹۶۰م، دولت اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری خروشچف، در بیست و دومین گنگره حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرد که تعصبات مذهبی و خرافات هنوز هم باعث می‌شود بعضی از هم‌میهنان ما نتوانند به‌صورت کامل قدرت‌های خلاق خود را به کار بندند (اشرفی، ۱۳۹۴). در این راستا، این گفته «مرلین لرویل»، مدیر برنامه آسیای مرکزی در دانشگاه جرج واشنگتن قابل تأمل و توجه است که می‌گوید:

«کشورهای آسیای مرکزی در آینده نزدیک شاهد اسلام‌گرایی با شعار مبارزه با فساد و عدالت اجتماعی خواهند بود. این حرکت در منطقه نفوذ زیادی خواهد داشت و تاجیکستان را به یک کشور اسلامی تبدیل می‌کند. اما این دولت اسلامی را رهبران فعلی حزب نهضت اسلامی تاجیکستان رهبری نخواهند کرد، بلکه سیاستمداران اسلام‌گرای افراطی که سیاست فعلی حزب نهضت را بیش از حد منعطف می‌دانند، آن را رهبری می‌کنند.

سرنوشت قزاقستان و ازبکستان برای تمام منطقه حیاتی خواهد بود، زیرا اگر نورسلطان نظربایف یا اسلام کریم اف از صحنه سیاسی خارج شوند و در یکی از این کشورها هرج و مرج حاکم شود، تاجیکستان و قرقیزستان نیز دچار آشوب خواهند شد و این زلزله در تمام منطقه، از جمله در روسیه و چین احساس خواهد شد. راهی که قزاقستان و ازبکستان در بیش از دو دهه

گذشته طی کرده‌اند نشان می‌دهد که تنزل هم‌گرایی فرهنگی و اجتماعی در منطقه ادامه داشته و در نهایت، سران پکن از ترس انتقال ناآرامی تاجیکستان و قرقیزستان به داخل کشورشان، وارد عمل خواهند شد.

در نتیجه، تاجیکستان کشوری اسلامی، قرقیزستان کشوری شبیه فیلیپین و قزاقستان با نظامی دموکراتیک تر مانند کشورهای آسیای جنوب شرقی، ترکمنستان شبیه کشورهای محافظه کار عرب حاشیه خلیج فارس اداره خواهند شد».

## ۲. تجدید حیات اسلام در آسیای مرکزی

در این بخش از مقاله به بررسی عواملی می‌پردازیم که باعث تجدید حیات اسلامی در میان کشورهای آسیای مرکزی شده‌است که به‌طور کلی عبارت هستند از تجاوز شوروی به افغانستان، جایگزینی ایدئولوژی اسلامی به‌جای ایدئولوژی کمونیستی در بعد از فروپاشی شوروی، سیاست‌های اعتدال‌گرایانه گورباچف و مهم‌تر از همه، انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر هویت بخشی شهروندان مسلمان آسیای مرکزی برای امید به بازگشت به هویت اصیل اسلامی خود به‌دوراز تعصبات قومی و دینی، تجدید حیات اسلام در آسیای مرکزی به اواخر دهه هشتاد میلادی برمی‌گردد (Islam after Communism, 2007: 67).

اولین عاملی که به احیای مجدد اسلام در این منطقه کمک کرد، تجاوز شوروی به افغانستان بود؛ زیرا پس از اشغال افغانستان، از مسلمانان تاجیک به‌عنوان مترجم و خبرنگار و معلم و ... استفاده می‌شد. لذا ارتباط مسلمانان خارج با مسلمانان شوروی از این طریق فراهم گردید و کانال جدیدی برای انتقال اسلام به شوروی ایجاد شد (نور شمس الحق، ۱۳۸۴: ۲۶). در افغانستان، ازبک‌ها و تاجیک‌های شوروی که نقش مترجم را داشتند، از نزدیک با پایبندی مذهبی ازبک‌ها و تاجیک‌های افغان آشنا شدند؛ در نتیجه، برخی از ایشان ارتش سرخ را ترک کرده و به نیروهای مقاومت افغان پیوستند. در همین بین باید بیان داشت که مقاومت شدید مجاهدان در برابر نیروهای شوروی در افغانستان، مانند الگویی برای اسلام‌گرایان در آسیای مرکزی عمل کرد، زیرا ثابت کرد که ارتش سرخ شکست پذیر است (کاراجیانس، ۱۳۹۱: ۳۷).

افزون براین، قدرت‌های خارجی به ظهور مجدد اسلام در آسیای مرکزی کمک کردند. ایستگاه‌های رادیویی مانند صدای آمریکا، رادیو آزادی و رادیو ایران به پخش تبلیغات ضد شوروی در آسیای مرکزی می‌پرداختند و جامعه هدفشان را عمدتاً جمعیت مسلمان تشکیل می‌داد، هم‌چنین نوارهای صوتی سخنرانی‌های امام خمینی رحمت‌الله‌علیه نیز به تاجیکستان، تنها جمهوری فارسی زبان شوروی، راه می‌یافت. از طرف دیگر با روی کار آمدن گورباچف در ۱۹۸۵ میلادی، روند آزادی بیان و بازسازی در کشور گسترش یافته و بر همین اساس، این دگرگونی موجب تجدید حیات اسلام شد.

چندین مسجد بازسازی شده، دوباره باز شدند و همین طور کلاس‌های درس مذهبی غیر رسمی در بسیاری از مناطق برگزار شد.

بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱، مقدمات احیای بیش‌تر سنت‌های اسلامی در آسیای مرکزی فراهم شد و نشان داد که به رغم سیاست مذهب‌زدایی کمونیست‌ها، مردم منطقه آمادگی بازگشت مجدد به دامن اسلام را دارند، به نحوی که بعد از فروپاشی شوروی، اسلام تا حدی جایگزین ایدئولوژی کمونیستی شد. این روند در سال‌های بعدی و تا کنون ادامه داشته، به نحوی که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های اسلامی مختلفی در کشورهای آسیای مرکزی به‌وجود آمدند (پهمن، ۱۳۹۳: ۶۲).

در همین راستا در جهت افزایش فعالیت‌های جریان‌های اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان به‌عنوان این افزایش و گسترش نام برد، افزایش تعداد مساجد در این منطقه نسبت به قبل از فروپاشی شوروی می‌باشد، لذا می‌توان بیان داشت که در اکتبر ۱۹۹۰ تعداد مساجد موجود در قزاقستان ۵۰، ترکمنستان ۳۰، تاجیکستان ۴۰ و ازبکستان ۹۰ مسجد بود؛ در حالی که در سال‌های قبل از ۱۹۸۹، در قزاقستان ۱۵، ترکمنستان ۵، تاجیکستان ۱۷ و ازبکستان ۳۷ مسجد وجود داشت. در شهر تاشکند ۳۰ مسجد جدید ساخته شد، در حالی که قبل از سال ۱۹۸۹ میلادی تنها ۲ مسجد وجود داشت (شمس‌الدین، ۱۹۹۱: ۲۳). تا اکتبر ۱۹۹۱ در هر جمهوری بیش از یک هزار مسجد جدید ایجاد شد و هر روز یک مسجد جدید تأسیس می‌شد. خانه‌های بازسازی شده، مدارس و مراکز اجتماعی و حتی کارخانه‌های متروکه به مسجد تبدیل شدند (دلپ، ۱۹۹۳: ۲۰).

### ۳. ریشه‌های افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز

وقایع افغانستان و اشغال آن از سوی شوروی را باید نقطه عطفی در فعالیت جنبش‌های اسلامی دانست. اشغال نظامی افغانستان از سوی شوروی رویدادی استثنایی در جهان اسلام بود، زیرا برای نخستین بار یک سرزمین اسلامی از سوی کمونیسم جهانی اشغال شده بود. از این رو، گروه‌های اسلامی طرفدار حرکات جهادی که داعیه‌های جهانی مبارزه با دشمنان اسلام داشتند و کمونیسم را از دشمنان سرسخت خود می‌دانستند، نسبت به اشغال افغانستان حساسیت شدید نشان دادند. بنابراین کسانی چون عبدالله العزام اردنی- فلسطینی، ایمن الظواهری مصری و اسامه بن لادن سعودی با ورود به افغانستان، بتدریج زمینه‌های سازماندهی و تشکیل القاعده، به‌عنوان سازمانی جهانی، را فراهم کردند.

جنگ افغانستان، علاوه بر این که شکل‌گیری سازمانی رادیکال به‌نام القاعده را سرعت بخشید، ملاقات اسلام‌گرایان شرق و غرب عربی با یکدیگر را نیز رقم زد. این ملاقات و آشنایی سبب

ترکیب دیدگاه‌های ایدئولوژیک و مهارت‌های سازمانی اسلام‌گرایان شد. در این میان، جنبش‌های رادیکال مغرب عربی (مصر)، مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی خود را در اختیار اسلام‌گرایان سعودی قرار دادند و سعودی‌ها نیز از طریق نفوذ گسترده مالی خود توانستند دیدگاه‌های تند وهابی و فرقه‌گرایی خود را وارد چارچوب فکری جریان‌ات اسلام‌گرای حاضر در افغانستان قرار دهند.

این‌گونه بود که از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد، از دامنه فعالیت گروه‌های رادیکال عربی در کشورهای عرب کاسته شد و با انتقال مرکز فعالیت‌های رادیکال به افغانستان و پاکستان، این کشورها به کانون عمده رشد جنبش‌های اسلامی در سال‌های دهه ۱۹۹۰ و پس از آن تبدیل شدند.

این فعالیت‌ها تنها به آسیای جنوبی و مرکزی محدود نشد و رفت و آمدهای چهره‌ها و فعالان اسلام‌گرا در کل منطقه باعث برقراری تماس میان اسلام‌گرایان مستقر در افغانستان با اسلام‌گرایان در آسیای میانه و قفقاز و ماورای قفقاز، در چین، شد. رویدادهای خونین چین و جنگ چچنی‌ها با دولت روسیه، پیامد همین ارتباطات بود؛ بسیاری از چهره‌های فعال اسلام‌گرایی عربی مستقر در افغانستان با ورود به چین، به آموزش اسلام‌گرایان ضد روسی پرداختند.

پیدایش کسانی چون شامیل باسایف، رهبر اسلام‌گرایان چچنی در جنگ علیه روسیه، ناشی از همین فرایندها بود. بنابراین همکاری گسترده اسلام‌گرایان عرب و غیر عرب در آسیای جنوبی، آسیای مرکزی، قفقاز و ماورای قفقاز در سال‌های دهه ۱۹۹۰ شکل‌گیری یک جنبش اسلامی قدرتمند در خارج از جهان عرب را سبب شد که امروزه بازتاب آن را در سوریه و عراق شاهد هستیم (مسعودنیا و معصومی، ۱۳۸۷).

علاوه بر تمهید تاریخی فوق، باید به شیوه‌های اقتدارگرایانه حکمرانی، دخالت قدرت‌های غربی در این مناطق و حمایت آن‌ها از گروه‌های افراطی و هم‌چنین حمایت‌های عربستان سعودی از ترویج وهابیت در این مناطق نیز اشاره کرد. در این خصوص باید گفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هرچند کشورهای تازه استقلال یافته سخت‌گیری‌های شوروی سابق را در مخالفت با دین نداشتند، با این وجود آن‌ها علاقه‌ای به بسط و گسترش مذهب هم نداشتند و حتی در برخی موارد، برخوردهایی نیز در این زمینه صورت گرفته است.

در چنین فضایی که اجازه فعالیت به گروه‌ها و علمای اصیل داده نمی‌شود، سرمایه‌گذاری برخی کشورهای عربی در حوزه سلفیت و اندیشه‌های افراطی، باعث رشد و تقویت این جریان در منطقه آسیای مرکزی شد. نکته دیگر این که کشورهای تازه استقلال یافته در رابطه با مسائل مذهبی و به خصوص فعالیت جریان‌های افراطی، مواضع تدوین شده و ثابتی ندارند و به همین دلیل، مواضع ضد و نقیضی از سوی مقامات آن‌ها اتخاذ می‌شود. در مجموع، توجه بخشی از مردم به‌ویژه جوانان در کشورهای آسیای میانه و قفقاز به سلفی‌ها می‌تواند به چند دلیل باشد:

۱- در کشورهای نظیر قزاقستان و قرقیزستان به دلیل عدم آگاهی بخشی لازم مذهبی، مردم اسلام را از طریق جریان‌های مذهبی انحرافی و از جمله سلفیت فرا می‌گیرند، چون قبل از آن تقریباً هیچ نوع اطلاعی در مورد اسلام و مذهب خود ندارند، به صورت طبیعی تحت نفوذ و باورهای این جریان‌ها قرار می‌گیرند.

۲- برخلاف دو کشور یاد شده، در تاجیکستان و ازبکستان که اسلام ریشه‌دارتر بوده و همیشه روحانیت اصیل، نقش حساسی بر دوش داشته‌اند، شرایط مقداری متفاوت است و مردم نسبت به پذیرش دیدگاه‌های جریان‌های افراطی تمایل زیادی نشان نمی‌دهند، حداقل در هر روستا یک یا چند مسجد وجود دارد و مردم می‌توانند برای پرسش‌های شرعی خود پاسخ پیدا کنند، اما مشکل این‌جاست که وقتی ائمه مساجد از سوی نهادهای رسمی عزل و نصب می‌شوند و از دولت حقوق دریافت می‌کنند، چاره‌ای جز تعریف و تمجید از مقامات ندارند و هیچ یک از آن‌ها جرأت کوچک‌ترین انتقاد از عملکرد دولت‌ها را ندارند.

آن عده از خطیبانی که در تاجیکستان با ممنوعیت حجاب و به مسجد رفتن جوانان زیر ۱۸ سال مخالفت کردند، خیلی زود کنار گذاشته شدند. حتی خطبه‌ها و موعظه‌های خطیبان مساجد جامع از قبل تعیین می‌شود و از دو سال پیش حتی پرسش و پاسخی که حداقل یک ساعت قبل از نماز جمعه میان نمازگزاران و ائمه مساجد جامع صورت می‌گرفت، ممنوع شد.

بنابراین، طبیعی است زمانی که رفتن به مسجد با فرصتی برای رفع ابهامات و شک و تردیدهای شرعی و اعتقادی مسلمانان همراه نباشد، انگیزه رفتن به مسجد از بین می‌رود و در نتیجه آن‌ها ناچار خواهند بود تا برای گرفتن پاسخ به پرسش‌های متعدد خود به دنبال منابع دیگری بروند و از چنین فضایی، جریان‌های افراطی مذهبی بهره‌برداری لازم را به عمل می‌آورند.

۳- دلیل سوم به نفوذ و حضور عناصر سلفی در روسیه مربوط می‌شود. در روسیه جریان‌های افراطی مذهبی از حضور میلیونی مهاجرین کاری آسیای مرکزی، استفاده‌های لازم را به عمل می‌آورند. به گونه‌ای که در حال حاضر بخش قابل توجهی از مهاجرین کاری تاجیک، ازبک و قرقیز تحت نفوذ سلفی‌ها قرار گرفته‌اند و این دولت‌ها هیچ نوع برنامه‌ای در این راستا نداشته و فقط به مبالغه‌نگفتی که از سوی مهاجرین کاری، به این کشورها منتقل می‌شود، توجه می‌کنند (موحدیان، ۱۳۸۳).

#### ۴. نقش عوامل خارجی

کارشناسان معتقدند که آمریکا به دلیل خروج نیروهای خود از افغانستان و القای ضرورت حفظ حضور نظامیان خود در منطقه، نیاز به تشدید فعالیت جریان‌های تروریستی و افراطی مذهبی در

منطقه آسیای میانه و قفقاز را خواهد داشت. در این زمینه و بر اساس اطلاع کارشناسان مذهبی و امنیتی، از چند سال پیش، با هماهنگی آمریکا و موافقت عربستان سعودی، طرح گسترش سلفیت در آسیای مرکزی، به‌طور عمده به قطر واگذار شده است. هرچند عوامل سلفیت در همه کشورهای منطقه فعالیت‌های زیرزمینی دارند، ولی وجود طرح‌هایی با سرمایه قطر در آسیای مرکزی و بخصوص در تاجیکستان، قرقیزستان و تا حدودی قزاقستان موجب شده تا زمینه اقدامات گسترده‌تر سلفی‌ها فراهم شود.

گذشته از این، برخی از کشورهای آسیای مرکزی با قطر در خصوص تعیین و انتصاب خطیبان جدید که نشان به‌صورت عمده بالای ۳۰ سال نخواهد بود و در قطر دوره‌های آموزشی را طی خواهند کرد، به توافق رسیده‌اند. بر اساس این طرح، خطیبان برخی از کشورهای منطقه این دوره‌ها را در قطر فرا خواهند گرفت که اقدامی جدید در راستای تأمین نفوذ هرچه بیش‌تر سلفیت در آسیای مرکزی خواهد بود.

موضوع دیگری که به صراحت قابل مشاهده است این‌که سلفی‌ها در منطقه وارد عرصه‌هایی شده‌اند که با بحث سرمایه ارتباط مستقیم دارد. هم‌اکنون در خیلی از کشورهای منطقه از جمله تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان پیروان سلفیت در بازارها، فروشگاه‌ها، صرافی‌ها و شرکت‌های ارائه خدمات، فعال هستند. حتی گفته می‌شود که هر یک از اعضای جریان سلفیت به‌صورت ماهیانه حمایت مالی می‌شوند که این امر زمینه جذب مردم گرفتار در مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی منطقه به این جریان را افزایش داده است.

## ۵. افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز

علی‌رغم آن‌چه گفته شد، لازم است به این نکته مهم توجه کنیم که این گروه‌ها به میزانی که در خاورمیانه موفق به‌نظر می‌رسند، در مناطق مذکور موفق نیستند، زیرا فضای اجتماعی و فرهنگی قفقاز بسیار متفاوت با خاورمیانه است. اولاً قفقاز شمالی که شامل داغستان، چچن، اینگوشیا و قره‌چای است، اینها مناطقی هستند که در حوزه روسیه قرار دارند و در قفقاز جنوبی یعنی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان فضای بسیار اندکی برای فعالیت‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری فراهم است. یعنی موقعیت آن‌طور که در خاورمیانه فراهم است، هنوز برای رشد تکفیری‌ها در قفقاز مناسب نیست، از همین رو این گروه‌ها دامنه اقدامات خود را به خارج از موطن اصلی‌شان انتقال داده‌اند. به‌گونه‌ای که اکنون در زمره آتش‌افروزان اصلی در بحران سوریه هستند.

به‌طور خاص در مورد جمهوری آذربایجان باید گفت که جریان افراطی وهابیت اخیراً در آذربایجان رشد داشته، اما قاطبه مردم آذربایجان چه شیعه و چه سنی و نیز جناح‌های غیر دینی با رشد افراط‌گری دینی در کشور خود مخالف هستند و از این پدیده منفی استقبال نمی‌کنند.



وهابی‌ان از سال ۱۹۹۷ پایگاه‌هایی در آذربایجان تأسیس کرده و با ساخت و نفوذ در مساجد به تبلیغ عقاید خود پرداخته‌اند. مسجد ابوبکر، بزرگ‌ترین مسجد وهابی در آذربایجان، با کمک مالی یکی از بنیادهای خیریه کویتی در سال ۱۹۹۸ در باکو احداث شد و با جدی شدن خطر گسترش وهابیت در آذربایجان خانواده‌های آذری نسبت به این مسجد حساسیت پیدا کرده و نهایتاً این مسجد تعطیل شد. البته کماکان تعدادی از این افراد بخصوص در مناطق مرزی با روسیه حضور داشته و فعالیت می‌کنند. گفته می‌شود تعداد سلفی‌های وهابی در آذربایجان تقریباً ۵۰ هزار نفر است و آن‌ها به چهار گروه خوارج امروز، جماعت هجرت، تکفیر و اخوان تقسیم می‌شوند.

با وجود فعالیت برخی گروه‌های افراطی، اکثر سنی‌های جمهوری آذربایجان با اکثریت شیعه ارتباط و همبستگی نزدیکی دارند و در کنار هم با تفاهم و دوستی زندگی می‌کنند. آقای «الله شکور پاشازاده»، رئیس اداره مسلمانان قفقاز، ارتباط نزدیکی با سنی‌های آذربایجان و حتی منطقه قفقاز ایجاد کرده است. در واقع او به‌عنوان شخصیتی شیعه از سوی مفتی‌های اهل سنت قفقاز به‌عنوان رئیس انتخاب شده که حکایت از ارتباط نزدیک اهل سنت و شیعیان در منطقه دارد.

با این وجود، نابسامانی‌های ابتدای فروپاشی شوروی و عدم آگاهی و توجه مراکز تصمیم‌گیر و شاید عدم اشرف مراکز نظارتی روسیه زمینه را برای تحرکات مخرب جریاناتی که افشاندن بذر سلفی‌گری افراطی را در زمین مساعد قفقاز شمالی مناسب یافته بودند، فراهم کرد و با گشوده شدن پای مبلغان و جنگسالاران عرب وهابی به منطقه قفقاز شمالی و مستقر شدن آن‌ها در صف جدایی‌طلبان چپنی که در جنگ‌های دوره اول با روسیه به دنبال آرمان‌های استقلال‌طلبانه خویش و نه تحرکات افراط‌گرایانه مذهبی بودند، زمینه گسترش وهابیت در میان جدایی‌طلبان قفقاز شمالی آماده‌تر شد.

در این میان ترور مفتی اعظم داغستان، محمد حاجی ابوبکراف، در ۲۱ اوت ۱۹۹۸ که از مخالفان کلیدی وهابی‌ها بود، دوران تیره‌ای را در افق جریانات مذهبی منطقه ترسیم کرد؛ زنجیره تشدید شونده حذف فیزیکی علما و چهره‌های اسلامی میانه‌رو یا مخالف وهابیت، که عمده‌تاً نیز عناصری بی‌جایگزین بودند کار را بدانجا رساند که در سال ۲۰۱۲ بیش از ده نفر از علما ترور شدند، یکی از مهم‌ترین سوءقصد‌ها در ۲۸ اوت ۲۰۱۲ به جان «سعید آتسایف»، بزرگ‌ترین رهبر متصوفه داغستان و جانشین مفتی ابوبکراف، با عملیات انتحاری یک زن اوکراینی‌الاصل وابسته به امارت قفقاز بود که به کشته شدن وی منجر شد.

مبلغان سلفی، که امروزه عمده آن‌ها قفقازی‌های دانش‌آموخته مدارس وهابی هستند با بهره‌مندی از مشروعیتی که آن را از مدارس محل تحصیل خویش در عربستان سعودی و یا دیگر کشورهای صادرکننده سلفی‌گری اخذ کرده‌اند، اسلام محلی در این منطقه را زیر سؤال می‌برند. عبادت‌های مردم بومی را غلط خوانده، آیین‌های مذهبی‌شان را پر اشکال دانسته، گرامیداشت اولیاء و سوگواری‌ها برای درگذشتگان را شرک‌آلود خوانده و سبک زندگی سلفی را برایشان تجویز

می‌کنند. هم‌چنین از ناآگاهی‌های مذهبی مردمی که بخش عمده‌ای از آن‌ها تفاوت‌های میان تشیع و تسنن را نمی‌دانند سوءاستفاده کرده و بذر ضدیت با شیعیان را در بین این مردم می‌افشانند.

یکی از منابع مهمی که در اشاعه افراط‌گرایی مذهبی در منطقه نقش دارند مؤسسه‌های به‌اصطلاح اسلامی بین‌المللی هستند. منشأ عمده این دست فعالیت‌ها «مجمع جهانی جوانان مسلمان» که دفتر مرکزی آن در عربستان سعودی قرار دارد، است. مؤسسه‌های سعودی «الحرمین»، مؤسسه خیریه «ابراهیم ال‌ابراهیم» و ... هم در این زمینه فعال بوده‌اند.

در دو دهه اخیر سلفی‌ها از فساد موجود در سطوح مختلف حاکمیتی جمهوری‌های قفقاز شمالی و عدم شناخت مناسب تصمیم‌گیران در مسکو از اسلام و جوامع قفقاز شمالی بهره‌برداری کرده و به جذب اقشار ناراضی و آسیب‌پذیر جوامع مزبور پرداخته و می‌پردازند. آن‌ها با پشتوانه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری طیف گسترده‌ای از کشورهای عربی تا رقبای غربی مسکو، طراحی‌ها و برنامه‌های دامنه‌داری را در منطقه پیش می‌برند.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای وهابی‌ها در قفقاز شمالی تغییر دادن آرمان استقلال‌طلبی ملی جدایی‌طلبان چچنی در جنگ اول به وهابی‌گری ستیزه‌جو در جنگ دوم و از سال ۲۰۰۷ به این‌سو تشکیل امارت خودخوانده اسلامی قفقاز بوده است. کار بدان جا رسیده که نیروهای امارت قفقاز در سال ۲۰۱۲ سر از میدان جنگ در سوریه درآوردند و بخشی از آن‌ها به سرکردگی ابوعمر چچنی با ابوبکر البغدادی رئیس داعش بیعت کرده و ابوعمر چچنی چند صباحی ریاست بخش شمالی داعش را در سوریه عهده‌دار شد.

## ۶. گروه‌های رادیکال در آسیای مرکزی

حضور و رشد گروه‌های افراطی و تکفیری در آسیای میانه حساس‌تر و جدی‌تر از قفقاز است، چراکه آمریکا و ناتو می‌توانند به بهانه مقابله با تکفیریسم و افراط‌گرایی، از این منطقه جهت مقابله با سه هدف، یعنی روسیه، ایران و چین بهره‌برداری کنند، ضمن این‌که زمینه رشد تکفیریسم در این مناطق بیش‌تر از قفقاز فراهم است.

در این خصوص باید از دره فرغانه، به‌عنوان کانون گسترش تفکرات و جریانات سلفی تکفیری نام برد. این دره که شامل سه استان قرقیزستان، یک استان ازبکستان و استان سغد در شمال تاجیکستان می‌شود، دره بسیار بزرگی است که به مرکزی برای اسلام‌گرایی و به‌ویژه اسلام‌گرایی تندرو تبدیل شده است. اسلام‌گرایان افراطی از یک طرف به دلیل فقر و مشکلات حاکم در کشورهای آسیای مرکزی و از طرف دیگر سرکوب آزادی‌های دینی، توانسته‌اند در این منطقه

گسترش یابند. از میان این گروه‌های رادیکال، سه گروه در آسیای مرکزی، از بقیه فعال‌تر هستند که بدان‌ها می‌پردازیم:

## ۶-۱. جنبش اسلامی ازبکستان

این جنبش در ۱۹۹۱ توسط «طاهر یولداشف» و «جمعه نمگانی»، با هدف سرنگونی دولت ازبکستان و برپایی دولتی اسلامی در این کشور پایه‌گذاری شد. با توجه به حضور اعضای حزب در تاجیکستان و افغانستان در سال‌های دهه ۱۹۹۰، تأثیرپذیری این جنبش از طالبان و القاعده آشکار است.

نمگانی در ۲۰۰۱ در جریان حملات آمریکا به پایگاه‌های طالبان در افغانستان کشته شد و یولداشف رهبری جنبش را به‌عهده گرفت. این جنبش در شورش مسلحانه «اندیجان» که طی آن دولت ازبکستان در آستانه سقوط قرار گرفت، بزرگ‌ترین عملیات نظامی خود را انجام داد. جنبش هم‌چنین در جنگ‌های داخلی تاجیکستان در فاصله سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۲ فعال بود.

نمگانی در زمان اقامت خود در افغانستان، رهبری یک گروه پان اسلامی را بر عهده داشت. اگرچه گروه او همراه طالبان و علیه آمریکا می‌جنگیدند، اما هدف نهایی آن‌ها برپایی یک دولت اسلامی در سرتاسر آسیای مرکزی بود. یولداشف از دوستان نزدیک «بیت الله محسود»، رهبر طالبان پاکستان و در واقع معلم ایدئولوژیک وی بود. یولداشف در سال ۲۰۰۹ در جریان حملات آمریکا به وزیرستان پاکستان کشته شد.

جنبش اسلامی ازبکستان به‌منظور جذب سایر اتباع کشورهای آسیای مرکزی، نام خود را در سال‌های نخست دهه اول قرن ۲۱ به جنبش اسلامی ترکستان تغییر داد که کشورهای همسایه با پی بردن به این تغییر نام، از فعالیت آن در قلمرو خود جلوگیری کردند (اشرافی، ۱۳۹۵: ۴۴-۶۵).

## ۶-۲. حزب التحریر اسلامی

نفوذ این حزب در آسیای مرکزی و قفقاز به حدی است که سایر گروه‌های اسلام‌گرای منطقه، بویژه القاعده و جنبش اسلامی ازبکستان، برای تضعیف حزب التحریر تلاش‌های زیادی کرده‌اند. حزب التحریر اگرچه در زمره گروه‌های رادیکال آسیای مرکزی است، اما رادیکالیسم آن بیش‌تر ایدئولوژیک است تا فیزیکی. یعنی حزب التحریر از دست زدن به اقدامات مسلحانه خشونت‌بار پرهیز کرده است. همین امر سبب شده که دولت‌های آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان، فعالیت حزب را ممنوع اعلام کرده، اما نهادهای حقوق بشری و اروپایی‌ها طرفدار آن هستند، البته با توجه

به مخالفت این گروه با دموکراسی غربی، طرفداری نهادهای حقوق بشر اروپایی از آن حاکی از اهداف خاصی است که شاید در آینده بیش تر مشخص شود.

در هر حال، مهم‌ترین دلایلی که سبب شده تا حزب التحریر در زمره گروه‌های رادیکال قرار بگیرد، عبارت‌اند از:

- قدرت سازماندهی و ایدئولوژیکی آن در طرح اندیشه حکومت اسلامی و شیوه دستیابی به آن؛
- نفی دموکراسی غربی به‌عنوان شیوه حکومت مناسب در جهان اسلام؛
- مخالفت حزب التحریر با سرمایه‌داری و نظام اقتصادی آن (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۵۵).

### ۳-۶. اتحادیه جهاد اسلامی

اتحادیه جهاد اسلامی در واقع یک گروه انشعابی از جنبش اسلامی ازبکستان است که در سال ۲۰۰۲ از آن جدا شد. برخی از آن به‌عنوان القاعده ترک نام برده‌اند. این گروه به‌جای تأکید بر آسیای مرکزی، یک ره یافت فراملی و جهانی در گرایش به جهاد در پیش گرفته است. از دیدگاه «اولویه روی»، نویسنده فرانسوی، یکی از اهداف این انشعاب نزدیک‌تر کردن جنبش به القاعده و از بین بردن نفوذ حزب التحریر بوده است. از این رو، اتحادیه بتدریج با شبکه‌های طالبان و القاعده متحد شد و به بخشی از شبکه جهانی جهاد که به‌نوعی به القاعده مرتبط بود، تبدیل شد.

در ادامه باید بیان داشت تمام قوانین کشورهای آسیای مرکزی صراحتاً می‌گویند حکومت این کشورها شکل عرفی یا سکولار دارد و هیچ دینی را به‌عنوان دین رسمی نمی‌پذیرند (اشرفی، ۱۳۹۴: ۳۱). این جهت‌گیری عرفی قوانین اساسی آسیای مرکزی چند دلیل دارد: اول از همه رهبران این کشورها که بنیان‌گذاران کشورهای آسیای مرکزی بوده‌اند، تحصیلات خود را در دوران شوروی گذرانده‌اند و در نتیجه، متأثر از تفکر مارکسیستی درباره مذهب هستند. لذا همان‌طور که اشاره شد، امروزه قوانین اساسی همه کشورهای آسیای مرکزی به اصل تفکیک دین از سیاست اشاره دارند. با این حال اسلام در سراسر منطقه تا حد یک ایدئولوژی دولتی صعود نموده است.

اسلام مورد حمایت دولت‌های کنونی آسیای مرکزی، بر پایه اسلام اهل تسنن و حنفی است و اصولاً در مذهب حنفی همکاری با حاکمان تشویق شده است. و نظم و امنیت نسبت به سایر مسایل از اهمیت بیش تری برخوردار می‌باشد. بنابراین هر اقدامی که امنیت جامعه را خدشه‌دار کند، از این منظر نامشروع است. در دوره اتحاد جماهیر شوروی، دولت با تأسیس مدیریت متحدی برای امور مذهبی همه مسلمانان منطقه، سعی در کنترل آن‌ها داشت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶: ۳۱).

این نهاد، مسئولیت اداره امور مسلمانان در شوروی و حفظ تماس رسمی با مسلمانان خارج از کشور را عهده‌دار بود. ولی در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی مدیریت ملی جداگانه‌ای در هر یک از کشورهای آسیای میانه به نام مفتیات وجود داشت که هر یک به ریاست یک مفتی ایجاد گردید. فعالیت مفتیان توسط یک کمیته یا شورای امور مذهبی تحت کنترل است. نهادی که مثلاً در ترکمنستان میان دولت و گروه‌های مذهبی عمل می‌نماید، مفتیان و کمیته مذکور عملاً در یک نهاد ترکیب می‌شوند.

مفتیان علاوه بر وظایف فوق، وظایف دیگری مانند آموزش رسمی روحانیون مسلمان و ثبت اسامی آنان را به عهده دارد. لذا در همین راستا روحانیون ثبت نام نکرده تحت پیگرد کیفری قرار می‌گیرند. ظاهراً هدف از این اقدام، بازداشتن افراد فاقد صلاحیت و رادیکال از تصدی مقامات مذهبی است (آکینز، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۰).

## ۷. نتیجه‌گیری

کلیه جمهوری‌های آسیای مرکزی علی‌رغم تفاوت‌هایی که با هم دارند، جوامعی مسلمان می‌باشند. در قزاقستان یعنی سکولارترین این کشورها، همواره این مسلمانان بوده‌اند که از نظر هویتی و ترسیم سنت‌های گذشته و البته رجوع به سنت‌های بومی که در زمان شوروی از ایشان گرفته شده، بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - دینی کشور خود مسلط بوده و هستند.

بسیاری از دانشمندان و محققان آسیای مرکزی بر این اعتقاد هستند که احیای سنت‌های دینی و فرهنگی در آسیای مرکزی در حال شکل‌گیری است، اسلامی‌سازی جامعه نیز بخشی از این فرایند می‌باشد، به طوری که در حال حاضر آسیای مرکزی به‌عنوان بخشی مشروع از جهان اسلام لحاظ می‌شود.

منطقه قفقاز و به‌ویژه آسیای میانه در سال‌های آینده کانون ملت‌های منازعات داخلی خواهند بود و بازیگران مختلف داخلی و خارجی در این کشورها با یکدیگر تقابل خواهند داشت. در این میان بازگشت عناصر سلفی - تکفیری به این کشورها با تجربه طولانی آنان در درگیری‌های خشونت‌بار افغانستان و اکنون سوریه و عراق، تقابل و منازعات در آسیای میانه و قفقاز را به‌سوی جنگ‌های داخلی خواهند برد. از سوی دیگر گروه‌های سیاسی مختلف در این کشورها که منتظر رفتن رؤسای جمهور کهن‌سالشان هستند، از مدل اعتراضات سیاسی استفاده خواهند کرد و شاید الگوی انقلاب‌های مخملین نیز در وسط این تحولات تکرار شود.

آنچه روشن است این‌که کشورهای حامی تکفیریسیم در منطقه، یعنی عربستان و قطر و نیز رقابت‌های آمریکا و روسیه در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، نقش مهمی در این تحولات داشته و

خواهند داشت. در این میان، نخبگان این کشورها جهت این که از خطر افراطی‌گری و منازعات داخلی مصون بمانند حداقل می‌بایست از یک سو برای رسیدن به سطحی از توسعه اقتصادی تلاش کنند و از سوی دیگر، با اقدامات خود به حقوق سیاسی اجتماعی مردم خود احترام بگذارند و مانع فعالیت گروه‌های معتدل نشوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- آکینز، شیرین (۱۳۸۳). «سیاسی‌گرایی اسلام در آسیای مرکزی در دوره پس از شوروی». *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۵.
- اشرفی، مرتضی (شهریور ۱۳۹۵). «گفتگو با عمران رجب اف»، گروه مطالعات راهبردی، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- اشرفی، مرتضی (اردیبهشت ۱۳۹۴). «گفتگو با سلیمان رضانی»، گروه مطالعات راهبردی، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- بایمت اف، لقمان (تیر ۱۳۸۳). «رشد مذهب و وضع نشریه‌های دینی در تاجیکستان»، *کتاب ماه دین*، شماره ۸۱.
- بنیکسون (۱۹۷۰ م.). «اسلام رسمی در اتحاد جماهیر شوروی، مذهب در سرزمین‌های کمونیستی»، *مجله بنیاد امور اقلیت مسلمانان*، شماره ۳، جلد ۷.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۳). *ژئوپلیتیک تشیع در آسیای مرکزی*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- حبیب‌الله شیرازی، ابوالحسن (۱۳۷۰). *ملیت‌های آسیای میانه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). *اسناد موجود در خصوص آسیای مرکزی*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، مرکز اسناد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶). *اسناد موجود در خصوص جمهوری قفقاز*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، مرکز اسناد.
- دلپ، هیرو (۱۹۹۳)، «پیشرفت و انحطاط اسلام در آسیای مرکزی»، *مجله بین‌المللی خاورمیانه*، شماره ۴۴۳، پنجم فوریه .
- کاراجانس، امانوئل (۱۳۹۱). *اسلام‌گرایی در آسیای مرکزی*. ترجمه مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر شعبه خراسان، قم: بوستان کتاب.
- شمس‌الدین (۱۹۹۱)، «فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و چشم‌انداز احیای اسلام در آسیای مرکزی»، *مجله مطالعات آسیای غربی*، علیگره، شماره هفتم.
- مسعودنیا، حسین؛ معصومی، داوود (۱۳۸۷). «بنیادگرایی در آسیای مرکزی؛ تداوم تقابل هویت‌ها»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۴.
- موحدیان، احسان (۱۳۸۳). *اسلام رادیکال در آسیای میانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نور، شمس‌الحق (۱۳۸۴). *اسلام و نهضت اسلامی در تاجیکستان معاصر*. تهران: سوره مهر، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.

*Islam after Communism: Religion And Politics In Central Asia*, (2007), Berkeley: University Of California Press.

*R.pipes, (1955) the formation of the soviet Union : Comonism and Nationalism 1917-1923, Cambridge: Harvard University Press .*

*Research Article*

**Radical currents of religious - takfiri in Central Asia and Caucasus and its reflection in regional developments**

**Reza Parizad<sup>1</sup> and Abolghasem Maarefvand<sup>2</sup>**

Date of received: 2022/07/06

Date of Accept: 2022/10/07

**Abstract**

The Caucasus region and especially Central Asia will be a hot spot in the region's developments in the coming years due to the wrong policies of the ruling governments and support for extremist groups. The geopolitical importance of Central Asia and the Caucasus and the efforts of important regional and extra-regional actors to be present in this region add to the need to know the situation of extremism and Takfirism in Central Asia and the Caucasus, and due to the fact that this region borders with Islamic Republic of Iran, this recognition is of double importance for us. The favorable internal conditions and the geopolitical importance of these regions have made Russia consider it as part of its traditional private life, Saudi Arabia provides the necessary platform for the promotion of extremist ideas, and the Islamic Republic of Iran due to its continuity and cultural commonality. consider it as a subset of cultural geography and NATO member countries, especially the powerful European countries and the United States, in addition to the economic and commercial view to act in the private life of Russia and also prevent the development of the regional influence of the Islamic Republic of Iran. Pay attention to these areas. In the meantime, what is worthy of attention and cause for concern is that some countries in the region, including Saudi Arabia, and some western countries, including the United States, prioritize supporting and equipping religious extremist groups in order to achieve their goals and have defined their foreign policies in relation to these regions. The result of internal weaknesses, problems and disturbances, along with the interference and role-playing of foreigners in Central Asia, explains the reality of the spread of extremist ideas in these regions.

**Keywords:** religious radical currents, Central Asia and Caucasus, Iran, Saudi Arabia, United States of America.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Parizad, Reza; Maarefvand, Abolghasem(2023). "Radical currents of religious - takfiri in Central Asia and Caucasus and its reflection in regional developments". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 4, S.No. 20, pp. 157 - 174.

---

<sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. Email: r\_parizad@yahoo.com

<sup>2</sup>. PhD student in Political Science, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom branch, Qom, Iran. Email: ghasem.maaref@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.



## References

- A group of writers (2015). *Documents available about Central Asia*. Qom: Al-Mustafa International Research Institute, Regional Studies Research Institute, Document Center. (in Persian)
- A group of writers (2016). *Available documents regarding the Caucasus Republic*. Qom: Al-Mustafa International Research Institute, Regional Studies Research Institute, Document Center. (in Persian)
- Akins, Shirin (2013). "Politicization of Islam in Central Asia in the post-Soviet era". *Central Asia and Caucasus Studies*, No. 45. (in Persian)
- Ashrafi, Morteza (May 2014). "Conversation with Suleiman Ramezani", *Department of Strategic Studies, World Assembly of Ahl al-Bayt (AS)*. (in Persian)
- Ashrafi, Morteza (September 2016). "Conversation with Imran Rajab F", *Strategic Studies Department, Ahl al-Bayt World Assembly (AS)*. (in Persian)
- Bahman, Shoaib (2013). *Geopolitics of Shiism in Central Asia*. Tehran: Institute of Andishesazan Noor Studies. (in Persian)
- Baimet F., Luqman (July 2013). "Growth of religion and status of religious periodicals in Tajikistan", *Book Mah Din*, No. 81.
- Benixon (1970). "Official Islam in the Soviet Union, Religion in Communist Lands", *Journal of the Muslim Minority Affairs Foundation*, No. 3, Volume 7.
- Dilip, Hiro (1993), "Progress and Decline of Islam in Central Asia", *Middle East International Journal*, No. 443, February 5.
- Habibollah Shirazi, Abul Hasan (1370). *Nationalities of Central Asia*. Tehran: Bureau of Political and International Studies. (in Persian)
- Islam after Communism: Religion And Pilitics In Central Asia*, (2007), Berkeley: University Of California Press.
- Karajians, Emanuel (2011). *Islamism in Central Asia*. Translated by Abrar Contemporary International Studies and Research Institute, Khorasan branch, Qom: Bostan Kitab. (in Persian)
- Massoudnia, Hossein; Masoumi, Dawood (1387). "Fundamentalism in Central Asia; Continuity of conflicting identities", *Central Asia and Caucasus Quarterly*, No. 64. (in Persian)
- Mohdian, Ehsan (2013). *Radical Islam in Central Asia*. Tehran: Strategic Studies Research Institute. (in Persian)
- Noor, Shams al-Haq (1384). *Islam and the Islamic movement in contemporary Tajikistan*. Tehran: Surah Mehr, Islamic Revolution Literature Office. (in Persian)
- R.pipes, (1955) *the formation of the soviet Union : Comonism and Nationalism 1917-1923*, Cambridge: Harvard University Press .
- Shamsuddin (1991), "The Collapse of the Soviet Union and the Prospects of Islamic Revival in Central Asia", *Journal of West Asian Studies*, Aligarh, No. 7. (in Persian)

پروفیسر سجاد احمد خان

پروفیسر سجاد احمد خان